

اولین قطعه از قوای امریکایی خاک افغانستان را ترک کردند

بررسی وجوه تشابه و تفاوت میان دو خروج*

نخستین واحد از نیروهای امریکایی به روز چهارشنبه ۱۳ جولای ۲۰۱۱ برابر با ۲۲ سرطان ۱۳۹۰ از ولایت های کابل و پروان، خاک افغانستان را ترک کردند؛ این نخستین گام برای آغاز طرز العملی است که اگر طبق پروگرام انجام شود به خروج کامل نیروهای امریکایی تا سال ۲۰۱۴ از افغانستان خواهد انجامید.



این حرکت به لحاظ تاریخی، یادآور تجربه ای است که فرزندان متعلق به سه دهه گذشته افغانستان، برای نخستین بار در ۲۲ سال قبل، شاهد آن بودند.

در آن روزگار نیروهای وابسته به اردوی سرخ شوروی سابق، در حالیکه تلفات و شکست سنگین نظامی و تبعات گسترده سیاسی در عرصه بین المللی تنها نتیجه حضور ۱۰ ساله آنها بود؛ افغانستان را ترک کردند. جنرال گروموف، آخرین قوماندان اردوی سرخ بود که با عبور از پل آمو در شمال افغانستان، بر فراز آن ایستاد و در حالیکه رو به سوی افغانستان داشت، کلمات نامفهومی را بر زبان راند.

شمار زیادی از افغان ها، امروزه بار دیگر و تنها پس از ۲۲ سال، شاهد تکرار همان تجربه هستند. وجوه تشابه و ناهمگون فراوانی میان دو خروج وجود دارد.

این خروج نیز همانند مورد مشابه خود در ۲۲ سال پیش، درست پس از ۱۰ سال انجام میشود. این خروج در حالی انجام میشود که هنوز نیروهای شورشی از قدرت تأثیرگذاری فراوانی بر امنیت و شرایط امنیتی در کل کشور برخوردار اند و حتی گفته میشود آنها بیش از آغاز حملات امریکا بر افغانستان در ۱۰ سال پیش، امروزه در موضع و موقعیت بهتری قرار دارند.

دولتی که برآمده از حضور ده ساله نیروهای امریکایی بود، اکنون با التماس و استدعای مستمر و مکرر از شورشیان میخواهد تا به پروسه صلح بپیوندند؛ این در حالی است که دولت داکتر نجیب؛ دولتی که ماحصل حضور نیروهای شوروی سابق بود نیز درست در وضعیت مشابه قرار داشت.

داکتر نجیب، برای پایان دادن به نا آرامی های سراسری در افغانستان که از سوی گروه های مختلف و متعدد مجاهدین رهبری و هدایت می شد، اعلام مصالحه ملی کرد و از همه طرف های درگیر خواست تا به پروسه صلح بپیوندند، سلاح های خود را به زمین بگذارند و دولتی فراگیر با مشارکت همه طرف ها و البته به رهبری مجاهدین تشکیل دهند.

در آن زمان، رهبران مجاهدین نیز درست همانند طالبان کنونی، خود را در موضع قدرت می دیدند و گردن گذاردن به خواست های مکرر نجیب را تسلیم شدن به یک دولت در حال سقوط و احتضار قلمداد می کردند. این در حالی بود که دولت نجیب، همانند حاکمیت موجود، هنوز از حمایت شوروی سابق برخوردار بود.

دپاتو شمیره: له ۱ تر 3

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

هنوز هزاران متخصص امور مختلف به شمول مشاوران ارشد نظامی در کابل حضور داشتند و دولت کابل را برای ادامه راه، همراهی، همکاری و هدایت میکردند.

افزون بر آنها دولت نجیب، دارای یک اردوی ۲۰۰ هزار نفری مجهز و تا دندان مسلح دارای پیشرفته ترین تجهیزات نظامی در سطح منطقه و یک نیروی هوایی مجرب و آموزش دیده مجهز به ۴۵۰ هواپیمای جنگی از انواع مختلف به شمول میگ ۲۷ و هواپیماهای سوخو بود.

این چیزی است که تنها بخشی از آن را می توان در دولت کنونی سراغ کرد. این دولت اگرچه گفته میشود از حمایت گسترده خارجی برخوردار است؛ اما هنوز اردو و نیروهای مسلح آن، توان دفاع و صیانت مستقلانه از حاکمیت و تأمین امنیت را ندارد. انتقال مسؤلیت تأمین امنیت، به تازگی با تردید و تزلزل فراوان از بامیان؛ امن ترین نقطه افغانستان آغاز شده است. نیروی هوایی افغانستان هنوز به درستی شکل نگرفته، هواپیماهای جنگی باقی مانده از دولت نجیب همگی از سوی کشورهای همسایه به تاراج برده شده و اکنون هیچ پشتوانه برای بازسازی نیروی هوایی اردو وجود ندارد. حامد کرزی باری در یک موضع گیری رسمی گفت که برای انعقاد پیمان همکاری های ستراتیژیک با امریکا به کمتر از اف-۱۶ راضی نخواهد شد؛ اما این امر، هیچگاه مورد توجه امریکایی ها قرار نگرفت.



دولت نجیب نیز هر روز بیشتر از پیش، بر تدبیر مصالحه از طریق برقراری تماس با رهبران مجاهدین و وعده پول های هنگفت و اعطای سمت های بلند حکومتی و دولتی پای می فشرد؛ اما هیچکدام، رهبران مجاهدین را برای تعامل صلح آمیز با دولت کابل؛ دولتی که هنوز مورد حمایت مستقیم نیروهای اشغالگر بود، متقاعد نمیکرد.

آنها با یک استدلال ساده به همه پرسش ها پاسخ میدادند: ما ابرقدرت شوروی را شکست دادیم، دولت نجیب دیگر چیست؟

شرایط و اوضاعی که بعد از شکست دولت نجیب، بوجود آمد، به روشنی این حقیقت را آشکار کرد که مجاهدین غیر از جنگیدن و شکست دادن، هیچ چاره ای برای دوره بعد از شکست، تدبیر نکرده بودند. با سقوط دولت نجیب، اداره ای به رهبری مجاهدین، وارد کابل شد و دولت موقت، درست همانند ده سال پیش، اما به رهبری صبغت الله مجددی تشکیل شد.

مشاوران ناپخته اداره آماتور و چهل تکه مجاهدین، ذخایر ستراتیژیک ۲۰ ساله دولت نجیب را به بازارهای داخلی عرضه کردند؛ به همین جهت، ارزانی و فراوانی، خوش ترین خاطره هایی است که عوام مردم از دولت مستعجل مجددی به یاد دارند؛ اما این چیزی نبود جز به حراج گذاردن سرمایه های ملی و از میان برداشتن یک پشتوانه مطمئن دولت از سوی مجاهدین. برای کسانی که درک درستی از نحوه مدیریت سیاسی جوامع بحران زده داشتند، این نخستین قدم برای ناشیگری های خرد کننده و براندازنده رهبران سنتی مجاهدین و در واقع نوعی خودکشی سیاسی تلقی شد؛ امری که با توجه به وقایع و رویدادهای پس از آن، چندان دور از واقعیت نیز نبود.



حساسیت های مردمی در برابر دو نیروی خارجی، تقریباً سقف مشابهی دارد. هر دو نیرو با پرسش های جدی در فعالیت و حوزه صلاحیت خود مواجه اند. حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هنوز هم به عنوان جدی ترین پرسش های مقابل دولت کنونی همانند حاکمیت کمونیستی دوره نجیب مطرح است.

با این حال، صاحب نظران در برخی موارد، این دولت را با همتای ۲۲ سال پیش آن، قابل قیاس نمی دانند. توجیه و اجماع بین المللی حضور خارجی ها، شکل گرفتن مکانیزم هایی برای نظام سازی سیاسی، عدم مشروعیت گروه های شورشی و تفاوت آن با نیروهای جهادی، حمایت همه جانبه غرب از حاکمیت کابل برخلاف دولت نجیب که گفته میشود عامل اصلی سقوط آن عدم حمایت غربی ها از آن و تقویت مخالفان آن بود و ... از وجوه تفاوت این دولت با دولت نجیب شمرده میشود؛ اما تجربه نشان داده است که این وجوه تمایز، چیزی نیست که بتواند پشتوانه پایداری برای تداوم یک نظام سیاسی و بیمه کردن آن در برابر خطرات و تهدیدهای بزرگ فرا راه آن به حساب آید.

خارجی ها در صورتیکه مسؤلیت ها را به این دولت با وضعیتی که اکنون دارد، واگذار کنند، امکان سقوط این پشوانه ها در خلال مدت کوتاهی، کاملاً امکان پذیر و متصور است.

اگر نیروهای شورشی با همین قدرتی که دارند به مبارزات خود ادامه دهند، بر بنیاد اصل مسلم و معروف «الحق لمن غلب»، جهان را وادار به پذیرش واقعیت ها خواهند کرد و این، یعنی کسب مشروعیت. وقتی دولت افغانستان ذیل عنوان «برادران ناراضی» آنها را به صلح فرامی خواند، این بدان معناست که آنها را به رسمیت می شناسد و ...

براین اساس، این پرسش هر روز بیشتر از پیش تقویت می شود که آیا وضعیت بعد از خروج شوروی از افغانستان، بار دیگر در حال تکرار شدن است؟

پایان

* هفته نامه "بخوان" شماره ۱۶ اول سنبله ۱۳۹۰ ص ۱۵ (ادیت : افغان جرمن آنلاین)